

مریم رجوی: سرنگونی این رژیم، محتوم واجتنابناپذیر است

بزرگداشت شهیدان حماسه فروغ اشرف در ۱۹ فروردین ۱۳۹۰

۱۹ فروردین ۱۳۹۶

هموطنان عزیز،

خواهران و برادران!

در این جا جمع شده‌ایم برای بزرگداشت ششمین سالگرد حماسه فروغ اشرف در ۱۹ فروردین ۱۳۹۰،

یک پایداری خیره‌کننده، یک نبرد پرافتخار و یک رویارویی نابرابر میان دست‌های خالی اما قلب‌ها و سرهای پرشور با
قوای سراپا مسلح دولت دست‌نشانده ولایت فقیه در عراق.

در آن روز هاموی‌ها و زرهی‌های دشمن از روی تن‌های مجاهدین عبور کردند، گلوله‌هایشان سینه‌ها و سرهای مجاهدین
را از هم شکافت و ۳۶ مجاهد خلق جان‌های بی‌تاب خود را نثار آزادی ایران کردند، اما در پایان نبرد، طرف عاجز و
درمانده، خامنه‌ای بود و مالکی که در تسخیر اشرف شکست خورده بودند؛ حال آن‌که این مجاهدین بودند که به‌رغم همه
داغ‌ها و جراحات‌ها و شهادت‌ها، سرفراز و پیروز پرچم آزادی را برافراشته نگاه داشتند.

سلام بر خواهران عزیز و شهیدم؛

آسیه رخشانی، فاطمه مسیح، مرضیه پورتقی، نسترن عظیمی، فائزه رجبی، مهدیه مددزاده، شهناز پهلوانی و صبا
هفت‌برادران.

قهرمانانی که از همان روز، با رزم و پاکبازی و با خونهای مطهر خود، پیشاپیش هزار زن قهرمان، بنای عظیم شورای
مرکزی جدید سازمان مجاهدین خلق ایران را بنیاد گذاشتند.

و سلام بر برادران عزیز و شهیدم؛

حسن اوانی، جعفر بارجی، محمدرضا یزدان‌دوست، غلامرضا تلغری، احمد آقایی، مرتضی بهشتی، علی اکبر مددزاده، قاسم
اعتمادی، ناصر سپه‌پور، محمدرضا پیرزادی، امیر مسعود فضل‌اللهی، حسین احمدی، زهیر ذاکری، حنیف کفایی، محمد
قیومی، خلیل کعبی، سعید چاووشی، مسعود حاجیلویی، سعید رضا پورهاشمی، ورقا سلیمانی، بهروز ثابت، فریدون عینی،
ضیاءالله پورنادر، مهدی برزگر، مجید عبادیان، علیرضا طاهرلو، بهمن عتیقی و منصور حاجیان.

قهرمانانی که از همان روز، تشکیلات نوین برادران را در سازمان مجاهدین خلق ایران به پا کردند و بار دیگر پرچم فروغ جاویدان را در فروغ اشرف به اهتزاز درآوردند.

می‌خواهم خطاب به این شهیدان کلمات مسعود را تکرار کنم که «سلام بر شما که به عهد و سوگند خود در جنگ صدبرابر به شگفت‌ترین صورت، وفا کردید. ... سلام به شما که درسهای جدیدی به بشریت معاصر عرضه کردید. درس‌هایی که در تاریخ تمام جنگ‌های ملی و میهنی و انقلابی بی نظیر است... این است فدیة عظیم ما در راه آزادی ایران» و می‌خواهم از جانب خودم، از جانب مجاهدین و از جانب هر ایرانی آزاده‌یی، به شما بگویم همیشه و همیشه شعله‌های یاد و نام یک به یک شما را فروزان و زنده نگاه خواهیم داشت و آتشی را که فداکاری شما در جان‌ها و وجدان‌ها برافروخت فروزان نگه می‌داریم تا روزی که مردمان روی خجسته آزادی را ببینند.

حمله به اشرف در ۱۹ فروردین ۹۰، از دید ولی فقیه ارتجاع مانند سال ۸۸، پاتکی برای قیامهای مردمی بود. خامنه‌ای همیشه در تنگنای قیام و زهر برجام و برشام، حمله به مجاهدین را در عراقی که به اشغال خرنده خود در آورده بود، مغتنم می‌شمرد.

واقعیت این است که از نظر رژیم ولایت فقیه، مجاهدین و قیام مردم ایران برای آزادی، همواره پدیده واحدی بوده و هست. آخوندهای حاکم در هر قیامی صدای مجاهدین و ارتش آزادی و صدای مقاومت ایران را می‌شنوند که سرانجام به حاکمیت ولایت فقیه پایان خواهد داد. بله سرنگونی و پایان این رژیم، محتوم و اجتناب‌ناپذیر است.

هموطنان!

حمله وحشیانه خامنه‌ای و مالکی به مجاهدین در ۱۹ فروردین، هم‌چنان که 6 قتل عام دیگر در اشرف و لیبرتی و تحویل حفاظت اشرف به قوای دولت دست‌نشانده آخوندها در عراق، در شمار نتایج فاجعه‌بار سیاست غرب و به‌ویژه آمریکا بود که در ۱۶ شانزده سال گذشته، یکسره به سود آخوندها عمل می‌کرد.

جالب است بدانید که در شب حمله، نیروی آمریکایی مستقر در اشرف بدون اطلاع، قرارگاه را ترک کرد. اقدامی که خواه و ناخواه مالکی و دژخیماننش از آن به‌عنوان چراغ سبز استفاده کردند. دو دقیقه بعد از ساعت ۱۱ شب در اشرف، آقای بومدرا مسئول حقوق بشر یونانی دقیقاً در ساعت ۲۳ و ۲ دقیقه، از طرف سفارت آمریکا و مسئول پرونده اشرف در وزارت خارجه آمریکا، پیامی برای اشرف مخابره کرد که می‌گفت:

ژنرال علی غیدان (فرمانده نیروی زمینی مالکی) به نیروهای امنیتی دستور داده است که فقط زمینهای خالی اشرف را بگیرند و به ساکنان آزار نرسانند. این پیام صراحتاً می‌گفت مالکی دستور داده است که نیروهای امنیتی نباید از خشونت استفاده کنند.

این ایمیل که جزء اسناد اشرف است و به دادگاه اسپانیا هم داده شده، تأکید می‌کرد که نخست وزیر (یعنی مالکی) تصریح می‌کند که هدف دولت عراق این است که یک راه حل مسالمت‌آمیز پیدا کنند و امیدوار است که راه حل انسانی برای این وضعیت پیدا شود ...

اما کمتر از 6 ساعت بعد با حمله و شلیک زرهی‌ها و تیربارها روشن شد که پیام مالکی سراپا دروغ و فریب بوده تا نیروی واحد آمریکایی، اشرف را تخلیه کند و مانعی بر سر راه قتل عام نباشد.

بله، سیاستی که در مقابل حمله به اشرف، سکوت و مماشات کرد، راه رژیم آخوندی را برای اشغالگری و جنگ و نقض حاکمیت کشورهای منطقه هموار ساخت.

چه کسی نمی‌داند که اگر خمینی و خلافت و ولایت فقیه او تحت عنوان شیعه نبود، جهان مطلقاً با پدیده‌ی به‌عنوان داعش و خلیفه‌گری سنی که معلول بلافصل فاشیسم دینی است و خمینی بنیانگذار و آغازگر آن بود، مواجه نبود.

واقعیت این است که عمده فاجعه‌ها و ویرانی‌ها و تباهی‌هایی که امروز خاورمیانه را در خود غرق کرده، در سرمنشأ خود به‌خاطر امتیازها و باج‌هایی است که دولت‌های غرب و مشخصاً آمریکا به رژیم آخوندی داده‌اند.

فکرش را بکنید که اگر همین عکس‌العمل و جواب و مقابله این بار در برابر حمله شیمیایی رژیم اسد و کشتار مردم بی‌دفاع و کودکان بی‌پناه، در 4 سال پیش در سوریه انجام می‌شد، آیا امروز آرایش و چهره منطقه با 11 میلیون آواره سوری و میلیون‌ها پناهجو، بالکل متفاوت نبود؟

راستی اگر در جواب به حملات شیمیایی، 4 سال تأخیر نمی‌شد، چگونه سپاه پاسداران می‌توانست جنگ‌افروزی و ویرانگری خود در سوریه را گسترش بدهد و چگونه ممکن بود تعداد مردم بی‌پناهی که در سوریه کشته شده‌اند، از 500 هزار نفر بیشتر شود؟

به‌همین دلیل است که مردم و مخالفان سوری از موشک‌باران مراکز حملات شیمیایی دیکتاتوری اسد استقبال کردند. در نقطه مقابل، رژیم آخوندی آن را به‌شدت محکوم کرد و تلاش کرد انجام حمله شیمیایی توسط دیکتاتوری بشار اسد را انکار کند. اما اگر رژیم ولایت فقیه، خودش در این جنایت ضدبشری درگیر نبوده یا رژیم سوریه را به آن ترغیب نکرده، چه نیازی دارد که آن را لاپوشانی کند؟

به همین خاطر است که می‌گوییم: پس از سالها مماشات با رژیم‌های سوریه و ایران که حاصلی جز افزایش جنایتهای جنگی و جنایت علیه بشریت نداشته است، از کار انداختن پایگاهها و مراکز حملات شیمیایی و ماشین جنگ و سرکوب در سوریه، بایستی با بیرون انداختن فاشیسم دینی حاکم بر ایران و پاسداران و مزدورانش از سوریه و عراق و یمن تکمیل شود.

به همین خاطر است که می‌گوییم: خلع ید از پدرخوانده و حامی اصلی تروریسم در جهان امروز، لازمه صلح و آرامش و رخت بر بستن بنیادگرایی و تروریسم در منطقه و جهان است.
بله، این گرداب خون و وحشت باید پایان یابد.

هموطنان عزیز،

خواهران و برادرانم!

در زمان تحویل سال، من در همین جا در تحریم شعبده انتخابات آخوندها در ایران دوباره تأکید کردم که رأی اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران تغییر رژیم ولایت فقیه، است که غاصب حق حاکمیت مردم ایران است.
در اولین روزهای سال نو، خامنه‌ای، ولی فقیه ارتجاع گفت با کسانی که با انتخابات رژیمش به معارضه برخیزند (یعنی قیام کنند)، مقابله خواهد کرد.

حالا آخوند رئیسی از سران هیأت مرگ در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، کاندیدای نمایش انتخابات شده است. چه واقعیهی به این روشنی می‌توانست نشان دهد که رژیم ولایت فقیه از هر جهت دچار افلاس و فلاکت سیاسی است.
این جلاد رسوا، به دنبال قیام عاشورای ۱۳۸۸ گفت «هر کس به هر نحوی تحت هر شرایطی به سازمان مجاهدین کمک کند، این چون جریان سازمانیافته‌ی است عنوان محاربه دارد.» در واقع او به این دلیل به بالاترین مناصب رژیم صعود کرده که در ریختن خون مجاهدین بیشترین قساوت را به خرج داده است.

در گردهم‌آیی بزرگ مقاومت ایران در پاریس در تیرماه گذشته گفتیم: «هر دو جناح رژیم در یافتن راهی برای ادامه بقای حکومت‌شان شکست خورده‌اند. وانگهی قرار نیست که مردم ایران از افعی به‌مار غاشیه پناه ببرند. خیر؛ حرف مردم ایران این است که در این رژیم، نه عمامه سیاه، نه عمامه سفید؛ سرنگون باد رژیم ولایت فقیه.»

و چنان که مسعود گفته است: «مردم ایران به چیزی کم‌تر از سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار آزادی و حاکمیت مردم رضایت نمی‌دهند. این هسته مرکزی کارزار ملی و میهنی با این رژیم بوده و خواهد بود.»

روزی که آخوند روحانی رئیس جمهور ولایت فقیه شد، از جانب مقاومت ایران اعلام کردم که «بدون آزادی بیان و حقوق بشر و تا وقتی که زندانیان سیاسی و فعالیت احزاب آزاد نشده و تا وقتی که سیاست تجاوزکارانه رژیم در سوریه و عراق ادامه دارد،... هیچ چیز عوض نمی‌شود. زیرا ولی فقیه می‌داند هرگونه تغییر جدی در این سیاست‌ها به سرنگونی تمامیت رژیم راه می‌برد، با این حال ما می‌گوییم بفرمایید: این صحنه آزمایش شماست.»

حالا به آنچه در این ۴ سال در دوره ریاست جمهوری آخوند روحانی گذشت نگاه کنید: سه هزار اعدام، جنایت بزرگ اعدام جمعی اعضای مجاهدین در شهریور سال ۹۲ در اشرف، تشدید جنگ تجاوزکارانه علیه مردم سوریه که آخوند روحانی همیشه با صراحت از بشار اسد حمایت کرده است و صرف مبالغ کلانی از درآمدهای کشور برای هزینه‌های جنگ سوریه و عراق و یمن.

حقیقت این است که سرکوب و غارت در داخل ایران و تروریسم و جنگ در خارج از ایران، هم با عمامه سفید و هم با عمامه سیاه، هم با آخوند شیاد و هم آخوند جلاد، پایه‌های موجودیت و سیاست‌های اساسی رژیم است. یعنی ولایت فقیه راه پس و پیش ندارد. حرف مردم ایران تحریم انتخابات قلابی و رای آنها سرنگونی رژیم آخوندی است. و حالا زمان، زمان پیشروی و تهاجم مردم و مقاومت ایران است. زمان به‌ثمر نشستن خون‌های پاک شهیدان و زمان گل دادن رنج و شکنج‌های طولانی مجاهدین و مردم ایران است. سرنگونی ولایت فقیه و برقراری آزادی و دمکراسی در دسترس است و با همت مردم و جوانان ایران و هزار اشرف و هزار کانون شورشی محقق خواهد شد. سلام بر آزادی. سلام بر شهیدان به ویژه شهیدان امروز در ۱۹ فروردین ۱۳۹۰.